

غراب، راهله

نماد خورشید در فرهنگ و ادبیات / راهله غراب. مشهد: محقق، ۱۳۸۴.

۲۶۶ص+ ۱ص

ISBN:964-8672-10-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا

همچنین به صورت زیرنویسی

۱. خورشید در ادبیات. ۲. خورشید-اساطیر. ۳. اساطیر. الف. عنوان

۸۵۰/۸۳

P/R۴۰۰۹/خ۹۴

۱۳۸۳

نماد خورشید
در فرهنگ و ادبیات
راهله غراب



نماد خورشید در فرهنگ و ادبیات

مؤلف: رامه غراب

انتشارات: محقق

طرح جلد:

چاپ: چاپخانه سعید

چاپ اول: بهار ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

حق چاپ مخصوص و محفوظ است

ISBN: 964-8672-10-5

شابک ۹۶۴-۸۶۷۲-۱۰-۵

انتشارات محقق: مشهد - خیابان دانشگاه - خیابان اسرار - پلاک ۵۲ تلفن: ۸۴۳۰۶۸۱

کتاب سپهری: مشهد - خیابان دانشگاه - بازار دانشگاه - تلفن: ۸۴۴۵۴۷۱



www.ketab.ir

فهرست مطالب:

۳	پیشگفتار
۷	مقدمه

فصل اول - نقش عناصر نجومی در ادبیات

۱۳	۱-۱- آسمان ASMAN
۲۰	۱-۲- ماه MAH
۲۲	۱-۳- خورشید XVARSET

فصل دوم - نمادهای جهانی خورشید

۳۰	آتش / شعله Fire/Flame
۳۰	آفتاب پرست (تیره ای از گلها) Heliotrope
۳۰	آفتاب گردان Sunflower
۳۰	آنخ Ankh
۳۱	آینه Mirror
۳۱	ابوالهول Sphinx
۳۲	اژه Saw
۳۲	اژدها Dragon
۳۳	اسب Horse
۳۳	اشعه Rays
۳۴	امپراتور / امپراتریس Emperor/Empress
۳۴	انقلاب Solstice
۳۴	یول / جشن میلاد مسیح Yule
۳۵	اوروبوروس Ouroboros
۳۶	باز Hawk
۳۷	پدر Father
۳۷	پر Feather
۳۷	پرنده Bird
۳۷	پلکان Stairs
۳۷	پیتون / مار Python
۳۸	تاج Crown
۳۸	تار Web
۳۹	تخم مرغ Egg
۳۹	تک ستون هرمی Obelisk
۴۰	تکمه‌ها Buttons
۴۱	توپ Ball
۴۱	تیر Arrow
۴۱	چتر، چتر آفتابی Umbrella/ Parasol
۴۱	چراغ Lamp
۴۲	چرخ Wheel

۴۳.....	چشم Eye
۴۳.....	خروس Cock
۴۳.....	دایره Circle
۴۶.....	دیسک Disk
۴۸.....	راج/ درخت Holly
۴۸.....	رقص Dance
۴۸.....	رقص خورشید Sundance
۴۹.....	رنگ Color
۵۰.....	زعفران Saffron
۵۰.....	زبرجد/ یاقوت زرد Topaz
۵۰.....	ستاره Star
۵۰.....	سوسک / سرگین غلطان Scarab
۵۱.....	سه زانویی چرخان Triskele
۵۱.....	شانه Comb
۵۱.....	شاخ Horn
۵۲.....	شمع Candle
۵۳.....	شاهین/ قوش Falcon / Eagle
۵۶.....	شمعدان هفت شاخه Menorah
۵۶.....	شیر Lion
۵۷.....	صلیب شکسته Swastika
۶۰.....	طلا Gold
۶۰.....	طاووس Peacock
۶۰.....	طواف Circumambulation
۶۰.....	عمامه Tur Ban
۶۲.....	ققنوس Phoenix
۶۳.....	کشتی/ قایق Baat / Ship
۶۴.....	گل سرخ Rose
۶۵.....	گل داوودی Chrysanthemum
۶۵.....	مرکز Center
۶۶.....	مهرگان Mehregan
۶۷.....	نیلوفر Lotus
۶۹.....	نور Light
۷۰.....	هاله Nimbus
۷۲.....	هزار تو Labyrinth
۷۲.....	یین و یانگ Yin and Yang

فصل سوم - ایزدان خورشیدی

۷۶.....	۳-۱- بین التهرین
۷۶.....	۳-۱-۱ Zannama زاماما
۷۶.....	۳-۱-۲ Shamash شمش
۷۷.....	۳-۱-۳ Marduck مردوک
۷۷.....	۳-۱-۴ Nergal نرگال
۷۸.....	۳-۲ ایران
۷۸.....	۳-۲-۱ Oshbam اوش بام

۷۹.....	۳-۲-۲ Jamshid جمشید
۷۹.....	۳-۲-۳ Mithras میترا یا مهر ایزد ایرانی
۸۳.....	۳-۳- مصر
۸۳.....	۳-۳-۱ Amen آمون
۸۳.....	۳-۳-۲ Osiris اوزیریس
۸۴.....	۳-۳-۳ Basis یا سیس
۸۴.....	۳-۳-۴ Tum تام
۸۴.....	۳-۳-۵ Cheop جنوب
۸۴.....	۳-۳-۶ Khepera خپه را
۸۴.....	۳-۳-۷ Ra رع
۸۵.....	۳-۳-۸ Shu شو
۸۶.....	۳-۳-۹ Mentu منتو
۸۶.....	۳-۳-۱۰ Horus هوروس
۸۷.....	۳-۴- هند
۸۷.....	۳-۴-۱ Ushas اوشس
۸۷.....	۳-۴-۲ Bheki بهی کی
۸۸.....	۳-۴-۳ Pradyumna پرادیمنا
۸۸.....	۳-۴-۴ Pusan پوشن
۸۸.....	۳-۴-۵ Sarama ساراما
۸۸.....	۳-۴-۶ Surya سوریا
۸۹.....	۳-۴-۷ Savitri سویتری
۹۰.....	۳-۴-۸ Krishna کرشنا
۹۰.....	۳-۴-۹ Mitra میترا
۹۱.....	۳-۴-۱۰ Vishnu ویشنو
۹۲.....	۳-۵- اقوام سامی نژاد
۹۲.....	۳-۵-۱ عبری
۹۲.....	۳-۵-۲ فنقی
۹۲.....	۳-۶- یونان و روم
۹۲.....	۳-۶-۱ یونان
۹۳.....	۳-۶-۲ روم
۹۵.....	۳-۷- چین و ژاپن
۹۵.....	۳-۷-۱ چین
۹۵.....	۳-۷-۲ ژاپن
۹۷.....	۳-۸- ایرلند و اقوام شمالی سلت
۹۷.....	۳-۸-۱ ایرلند
۹۷.....	۳-۸-۲ سلت

فصل چهارم - خورشید در ادبیات مذاهب

۱۰۱.....	۴-۱- بین النهرین
۱۰۷.....	۴-۲- مصر
۱۰۸.....	۴-۲-۱ خدایان مصری
۱۰۹.....	۴-۲-۲ اخت آتون، شهر خورشید
۱۱۳.....	۴-۲-۳ نجوم در مصر
۱۱۷.....	۴-۳- میترا نیسم
۱۱۷.....	۴-۳-۱ آیین میترا

۱۲۱	۴-۳-۲ بیروان مهر
۱۲۲	۴-۳-۳ اطرافیان مهر
۱۲۳	۴-۳-۴ میترائیسم و خورشید پرستی
۱۲۵	۴-۳-۵ سنت پرستش مهر
۱۳۰	۴-۴ هند
۱۳۴	۴-۵ خاور دور
۱۳۲	۴-۵-۱ چین
۱۳۸	۴-۵-۲ ژاپن
۱۴۰	۴-۶ از تک AZOTAK
۱۴۶	۴-۷ سلت
۱۵۱	۴-۷-۱ شفا بخشی و باروری
۱۵۲	۴-۷-۲ خورشید و مرگ
۱۵۲	۴-۸ یهودیت
۱۵۶	۴-۸-۱ فرازهایی از عهد عتیق
۱۵۷	۴-۹ زرتشت
۱۵۸	۴-۹-۱ نیایش یلر زندگی (خورشید)
۱۵۹	۴-۹-۲ خورشید یشت
۱۶۰	۴-۹-۳ مهر یشت
۱۶۳	۴-۹-۴ خورشید نیایش
۱۶۵	۴-۹-۵ مهر نیایش
۱۶۶	۴-۱۰ مسیحیت
۱۶۹	۴-۱۰-۱ فرازهایی از عهد جدید
۱۷۰	۴-۱۰-۲ رمز صلیب
۱۷۲	۴-۱۰-۳ خورشید در هنر مسیحی
۱۷۸	۴-۱۱ اسلام
۱۷۹	۴-۱۱-۱ فرازهایی از قرآن کریم
۱۸۳	۴-۱۱-۲ سوگند به خورشید
۱۸۵	۴-۱۱-۳ خورشید و دیدگاه اسلامی
۱۸۷	۴-۱۱-۴ پرستش خورشید از دیدگاه تصوف اسلامی
۱۸۹	۴-۱۱-۵ خورشید در هنر اسلامی
۱۹۹	۴-۱۲ تقویم‌های خورشیدی

فصل پنجم - خورشید در فرهنگ، ادبیات و عرفان ایران

۲۰۷	۵-۱ هنر پیش از تاریخ
۲۱۴	۵-۲ هنر ماد و هخامنشی
۲۱۹	۵-۳ هنر سلوکی و پارتی (اشکانی)
۲۲۱	۵-۴ هنر ساسانی
۲۲۴	۵-۵ هنر اسلامی
۲۳۱	۵-۶ نقش شیر و خورشید
۲۴۳	و انجام سخن اینکه
۲۶۱	فهرست منابع





آدمی همواره در پی توجیه رویدادهای محیط پیرامون خود بوده و به شکلهای گوناگون در توضیح و شرح آنها کوشیده است. بشر با نیروی پنداشت خود، توانایی آفرینش انگیزه‌ی پدیده‌ها و رویدادها را در ذهن خود داراست و برای انتقال اندیشه‌ی خود به دیگران از نماد یاری گرفته است. بررسی پیشینه‌ی این نمادها روشنگر وجود پیوند ذهنی میان اقوام و نژادهای گوناگون در زمانهای متفاوت می‌باشد و درک مفهوم نمادها در سطحی وسیع‌تر باعث کشف پل ارتباطی بین تمدن‌های مختلف می‌گردد.

نمادها در نقاط مختلف جهان، برگردان فهم و ادراک آدمیان در زمان‌های متفاوت، از زندگی روزمره می‌باشند و پایداری حضور آن‌ها از قرن‌ها قبل تا روزگار کنونی، شاهد نیروی پایدار آن‌ها است.

چنان چه به دنبال تعریفی از نماد باشیم، می‌توان آن را به کلمه، تصویر یا شیئی اطلاق نمود که افزون بر معانی قراردادی و آشکار روزمره‌ی خود، دارای معانی ناهمگون نیز باشد. بنابراین هرگز به طور کامل و دقیق قابل توضیح نیست. زیرا نماد فرایند پندار بشر است.

نمادها را می‌توان به دو دسته طبیعی و فرهنگی تقسیم نمود:

نمادهای طبیعی از محتویات ناخودآگاه روان سرچشمه می‌گیرند.

نمادهای فرهنگی برای شرح حقایق جاودانگی به کار می‌روند و کاربرد آنها در بسیاری از ادیان قابل مشاهده است. فرآیند دگرگونی این نمادها وارد خودآگاه شده و بدین سان به صورت نمایه‌های جمعی مورد پذیرش جوامع متمدن امروزی درآمده‌اند. نمادهای فرهنگی بخش بزرگی از ماهیت فوق طبیعی خود را حفظ کرده‌اند و در پاره‌ای افراد می‌توانند واکنش‌های احساسی شدیدی را ایجاد کنند.

کنکاش در نماد باعث دست یافتن انگاره‌هایی فراسوی خرد برای ذهن می‌گردد. بنابراین برای ذهن علمی کمتر قابل توجیه است. اگر چه خردگرایی انسان امروزی توانایی واکنش‌های وی در برابر نمادها و انگاره‌های فوق طبیعی را از میان برده و وی را آسیب‌پذیر نموده است، اما نمادها جایگاه خود را از زمان غارنشینی تا روزگار کنونی حفظ کرده‌اند.

اهمیت نمادها را در جهان امروز با جستجوی آنها در شکل‌های جدید مانند عکس، فیلم؛ در قالب سینما، تلویزیون، کتاب، تابلوها و آگهی‌های بازرگانی و غیره، بهتر می‌توان درک کرد. امروزه با نقش شایانی که تصویر در زندگی روزمره از راه رسانه‌های گروهی یافته است این اهمیت شکلی دوچندان پیدا کرده است.

در متن حاضر کوشش شده است به نقش یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین نمادها یعنی خورشید از روزگار کهن تا زمان حاضر در فرهنگ و ادبیات پرداخته شود. امید که مورد بهره‌گیری اندیشمندان قرار گیرد.





از ابتدای آفرینش، بزرگترین منبع انرژی موجود که در مرکز منظومه شمسی قرار داشت و نور و حرارتش موجبات زندگی را فراهم می‌آورد، همواره مورد توجه آدمی بوده است.

وی همه تلاش خود را به کار می‌گرفت تا این چراغ روشن آسمان را بر سر مهر آورد، لذا خورشید که خود آفریده خداوند عالم است، مورد پرستش قرار گرفت. آیین‌های خورشیدپرستی بوجود آمد و ایزدان خورشیدی، یکی پس از دیگری در میان فرهنگ‌های ملل مختلف سربرآوردند.

وقتی از خورشید سخن می‌گوییم، به دنیایی فراتر راه می‌یابیم و گویی روزنه‌های آسمان بر ما گشوده می‌شود، پای را از فضایی که این خاکدان را در بر گرفته فرا می‌نهیم و به سوی حقیقت وجود که روشنی بخش همه کائنات است به پرواز در می‌آییم و قداست خورشید سبب می‌شود تا از هر آنچه در توان داریم برای کشف و درکش یاری بجویم و موجب می‌شود آدمی تا بدانجا پیش رود، که انوار خورشید را نور الهی دریابد که به صورت اسرار آمیزی بر

دنیای خاکی می‌تابد.

در تمامی آئین‌ها و اساطیر مردم جهان، خورشید جایگزین ذات آفریدگار می‌شود و استمرار آفرینش را به نمایندگی از سوی او بر عهده می‌گیرد.

تا زمانی که خورشید در آسمان پدیدار است، واسطه انجام امور از سوی خداوند است و آنگاه که از انظار ناپدید می‌شود، پای به جهان مردگان می‌گذارد و با سیر در قلمرو مردگان، وظیفه هدایت آنها را در جهان زیرین به انجام می‌رساند و خورشید بی‌مرگ، بی‌خواب و همیشه هوشیار می‌ماند و هنگامی که این مظهر مجسم نیروهای زمینی و آسمانی بی‌فروغ شود و برای لحظاتی چند، نورش را از زمین دریغ کند، موجبات هول و هراس آدمی را فراهم می‌آورد. در هر فرهنگی بنا بر اعتقادات و آیین‌های خویش مراسمی را دست افزار قرار می‌دهند تا نور و حرارت خورشید را به زمین بازگردانند. به عنوان مثال اقوام خاور دور معتقدند که ازدهایی خورشید را می‌بلعد و با ایجاد سر و صدا سعی می‌کنند که خورشید را از دست ازدها نجات دهند و یا در باورهای منطقه میناب و بشاگرد، گرفتگی خورشید به علت بیماری اوست و به هنگام کسوف زنان و بچه‌ها با کوبیدن بر ظرف‌های مسی، سر و صدا به راه می‌اندازند و هم زمان چند نوع گیاه را در هاون می‌کوبند تا دارویی برای درمان خورشید درست کنند.

در هم شدن صدای کوبیدن ظرف‌ها، هاون و هلهله زنان، غوغایی ایجاد می‌کند که موجب می‌شود بیماری از خورشید بگریزد و دارویی که در جریان نجات خورشید درست می‌شود، برای درمان هر نوع بیماری مفید است.



« به اعتقاد ایرانیان حقیقت هستی چون گوهری زیبا و درخشان توسط صاحب هستی، در کائنات پرتاب شده و به میلیاردها قطعه تقسیم شده است، عمده‌ترین وظیفه بشر آن است که در جهت دستیابی به این قطعات بکوشد و با یافتن یکی در جستجوی دیگری برآید، و لازم است این عمل آنقدر ادامه یابد تا تمام قطعات حاصل آید. آنگاه با کنار هم گذاشتن این قطعات است که بشر به درک «حقیقت کل» نایل می‌گردد و به مقام خداگونگی خویش می‌رسد.^۱ »

بنابراین بر ماست تا افعال خود را جهت انجام امور به کار اندازیم و واقعیت‌ها را بر هم بیفزاییم بلکه بتوانیم حقیقت را آشکار نماییم. در طی این مسیر تمامی کائنات و اسطوره‌ها و افسانه‌ها نیز ما را یاری می‌نمایند. برای دستیابی به کمال بشر باید حقیقت را پیدا کرد و از ظاهر درگذشت و برای دیدن حقیقت ریاضت و کسب فضایل و تهذیب نفس لازم است و نوری را می‌طلبد که فرا راه ما، روشنی بخشد.

نوری دنیوی که همگان را به نوعی تحت الشعاع خود قرار دهد و زندگانی را امکان پذیر نماید و چه سهل آنرا در تجلی انوار خورشید می‌توان یافت. که در واقع نمادی از نور پروردگار هستی است.

^۱ نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم / روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی / بدر / چاپ هفدهم / ۱۳۷۹ / صفحه ۲۴ پاراگراف دوم به نقل از کتاب جستجوی بنیادها / فصل دوم وحدت حقیقت.

شاید خورشید که دنیایی پر از طپش حیات و تلاش تمام ناشدنی زندگی دارد، انعکاس یک روح ناآرام و پر از هیجان و لبریز از شور و جذبه است و شاید...

یافته‌های باستان‌شناسان حکایت از آن دارند که از میان تمامی پدیده‌های طبیعی، خورشید به عنوان نیروی زندگی، یاری‌دهنده باروری و شفا بخشی و آرام بخش مردگان، در میان ملل مختلف یا به طور مستقیم مورد پرستش بوده است، و یا به عنوان موثرترین عامل طبیعی مورد اکرام و احترام.

در جای جای این کُره خاکی به صورت‌های خاص اعتقاداتی به نمود می‌رسد و آدمیان را برای دستیابی به کمال نهایی و غایت آرمانی، بر آن می‌دارد که نماد را بکار گیرند.

نماد که در اساسی‌ترین جایگاه خود یعنی اسطوره‌ها به تبلور می‌رسد، تصویری محسوس و شناخته شده را به امری متعالی و ناشناخته و مبهم تبدیل می‌نماید و ماهیت آن به گونه‌ای است که انسان را یاری می‌دهد تا به قلمرو دست نیافتنی ایزدان راه پیدا کند.

گرچه بر همگان روشن است که اسطوره‌های خورشیدی واقعی نیستند، ولی بررسی آنها در این مقال خالی از لطف نخواهد بود. پس بر آن شدیم تا در جستجوی نور حقیقی عالم، نور عالم مادی را سرآغاز قرار دهیم، باشد که انوار عالم معنا، خود، ما را فراگیرند.

امید که یافته‌ها را به عنوان پرتوی از حقیقت تلقی نماییم و آنها را در جهت شناخت خورشید واقعی مورد بهره‌برداری قرار دهیم.